

نگاهداشت و بازآفرینی موتیف‌های آرایه‌ای فضاهای شهری

محمد مسعود: استادیار شهرسازی، دانشگاه هنر، اصفهان، ایران*
حمیدرضا بیگزاده شهرکی: دانشجوی دکتری مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه هنر، اصفهان، ایران

چکیده

فضاهای شهری در گذشته به گونه‌ای منسجم در هماهنگی نانوشته‌ای میان معماران و ارباب حیرت‌مرتبط شکل می‌گرفته و در آن الگوهایی از آرایه‌ها و نقشمایه‌های تزئینی، افزون بر کارکردهای اقلیمی و حتی نیارشی، به عنوان عناصر کیفیت‌زا و هویت‌بخش به کار گرفته می‌شدند که نشان از توجه ویژه نسبت به عناصر تأثیرگذار بر کیفیات فضاهای شهری داشته است. به نظر می‌رسد که امروزه در اثر کاهش توجه به کیفیت‌ها و ویژگی‌های طراحی فضاهای شهری و معماری جداره‌ها از یک سو و روند سریع از میان رفتن آثار مربوط به معماری شهری و آرایه‌ها و تزئینات وابسته به آن در بافت‌های تاریخی از سوی دیگر، معماری فضاهای شهری را در معرض تهدیدی جدی قرار داده است. بازشناسی مفاهیم، کیفیت‌ها و نیز موتیف‌ها و مصادیق آرایه‌های معماری شهری از طریق بحث نظری و بررسی نمونه‌های میدانی و در نهایت، آسیب‌شناسی و تبیین ضرورت‌های نگاهداشت این آثار، هدف اساسی و دستاورد اصلی این مقاله خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: نگاهداشت، بازآفرینی، آرایه، نقشمایه (موتیف)، معماری شهری، بافت تاریخی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

تاریخ معماری جهان نشان از آن دارد که در دورهٔ موسوم به «مدرن» و با عبور از دوره‌های پیشین - که معمولاً تحت عنوان دورهٔ «سنت» از آنها یاد می‌شود - نگرش‌های متفاوتی نسبت به معماری و شهرسازی شکل گرفته و تجربه‌های متفاوتی در این عرصه پدیدار گردیده‌اند؛ به گونه‌ای که با دگرگونی اندیشه‌ها و پندارها، تجلیات مادی فرهنگ‌ها نیز دگرگونی یافته‌اند. یکی از مظاهر تجلی باورها و اندیشه‌ها در گذشته، آرایه‌ها و تزئینات و نقوش بوده‌اند که نوع بشر همواره از طریق آنها، تفکرات، اندیشه‌ها و عوالم درون خویش را بروز می‌داده است. این امر تا آنجا پیش رفته است که آرایه‌ها از ساده‌ترین وسایل کاربردی روزمره تا بزرگ‌ترین احجام ساختمانی و معماری را در بر گرفته‌اند. گاهی بدنه‌های بیرونی اندام‌ها و جداره‌های پیرامون فضاها شهریه که تعریف کنندهٔ آن فضاها هستند، توسط آرایه‌ها و تزئینات، زیبایی ویژه‌ای به خود گرفته و محیطی انسان‌پسند را پدید آورده‌اند. آرایه‌های معماری در ادوار گذشته، همواره به آثار معماری و شهری، «هویت»^۱ بخشیده و ویژگی مکانی، متمایز و منحصر به فرد بودن در آنها پدید آورده‌اند. بسیاری از مفاهیم و بنیان‌های «زیبایی‌شناختی»^۲ در آرایه‌ها و تزئینات معماری و شهرسازی تبلور یافته‌اند. کارکردهای نیارشی یا مکمل نیارش در بناهای تاریخی و نیز برخی کارکردهای ویژه در همسازی با اقلیم و محیط،

از جمله دیگر ویژگی‌های بخشی از جزئیات آرایه‌ای و تزئینی بوده است که گاه در پس پردهٔ زیبایی و زیباشناسی پنهان شده و گاه مورد غفلت قرار گرفته‌اند. آرایه‌ها به نحو شگفت‌انگیزی از فرم و فضا پیروی نموده‌اند؛ فضاها را مختلف و فرم‌های گوناگون معماری به اقتضای ویژگی‌های خاص خود (کارکرد، جایگاه، شکل و...)، به الگوهای متنوعی از آرایه‌ها منجر گردیده‌اند. اما آنچه در ورای تمامی آرایه‌های شکل گرفته در هنرهای گذشتگان موج می‌زند، مفاهیم^۳، باورها و اندیشه‌هایی است که در این آرایه‌ها، نقشمایه‌ها، اجزا، رنگ‌ها، موتیف^۴ها و نقوش واقع‌گرا و یا انتزاعی (هندسی و گیاهی)، پنهان شده و البته از طریق آنها تجلی یافته‌اند؛ چراکه معماری، دانسته یا ندانسته وقتی که شکل‌ها را ابداع می‌کند و می‌سازد، اندیشه‌ها را تجسم می‌بخشد (آرنه‌ایم، ۱۳۸۲: ۳۶۶).

انسان امروز با جهت‌گیری ویژه نگاه مدرن، علاوه بر دگرگونی در ساحت تفکر و مبانی اندیشه، رویکرد متفاوتی در زیبایی‌شناسی را اتخاذ نموده است که در این رویکرد، آرایه‌های گذشته نه تنها جایگاه خویش را از دست داده‌اند بلکه مورد انزجار قرار گرفته و با خطاب «تزئین جنایت است»^۵ از صحنهٔ زندگی امروز رخت بر بسته‌اند. رویکردهای زیبایی‌شناسی و انشاء فرمی^۶ جدید، به تدریج معماری و شهرسازی‌ای برهنه از تزئین را رقم زده که گاه منجر به پدید آوردن

3. Concepts

4. Motif

۵ به نقل از آدولف لوس (Adolf Loos, 1870-1933)، معمار اتریشی.

6. Form Composition

1. Identity

2. Aesthetics

۱-۲- اهمیت و ضرورت

طرح مسأله نگاهدشت و بازآفرینی الگوها و موتیف‌های آرایه‌ای معماری شهری از جهاتی دارای ضرورت و اهمیت است:

میراثی تحت عنوان آرایه‌های معماری شهری در حال حاضر به شدت در معرض خطر است. نگاهی به بخش‌های تاریخی شهرهای ما حاکی از اینست که به موازات از بین رفتن یا تغییرات کالبدی بدنه‌های شهری، آرایه‌های شهری نیز به سرعت رو به زوال دارند. تخریب و بازسازی در مقیاس وسیع، این داشته‌ها و اندوخته‌های فرهنگی و معماری را از بین می‌برد. اما اجرای طرح‌هایی که به منظور ساماندهی، بدنه‌سازی و زیباسازی نماهای شهری صورت می‌گیرند نیز تزئینات معماری شهری را تا حدود بسیار زیادی مورد دگرگونی و استحاله قرار داده و گاه به کلی از میان می‌برند. به طور کلی حفاظت^۵ از آرایه‌ها و تزئینات شهری، تقریباً دارای متولی مشخصی نیست و بجز بناهای مورد ثبت میراث ملی، در سایر موارد اگر اجزایی از میان بروند، پیگرد خاصی صورت نگرفته و مسؤولیتی را متوجه کسی نمی‌کند. بنابراین طرح مسأله حفاظت در این زمینه، یک ضرورت عاجل و بسیار جدیست و گذشت زمان، آسیب‌های بیشتری را به نقشمایه‌ها، الگوها و موتیف‌های آرایه‌ای که بخشی از میراث معماری و شهرسازی ماست وارد خواهد نمود.

فضاهایی زمخت، صلب^۱ و نفوذناپذیر و غیر دلچسب گردیده است. اما در کشور ما علاوه بر تأثیر پذیرفتن از تغییر رویکردهای یاد شده، افت کیفیت در معماری و ساخت بناها از یکسو و نارسایی و عدم تحقق مطلوب طراحی شهری و عدم اهتمام جدی آن به جزئیات معماری شهری از سوی دیگر، مجموعاً - چه در بخش‌های جدید و چه در بخش‌های کهن و تاریخی^۲ - چهره‌ای نازیبا، بی‌کیفیت و بی‌روح به شهرهای ما بخشیده است. در پرتو این دگرگونی‌ها، اندیشه‌ها و باورها و مفاهیمی که در خاطره‌ها و حافظه‌های جمعی ایرانیان نقش بسته بود و در آرایه‌های شهری و معماری کهن این مرز و بوم بازتاب یافته بود، اندک اندک به بوتۀ فراموشی سپرده شد. این امر سرآغاز شناسایی مسأله‌ای تحت عنوان در خطر بودن میراث آرایه‌های شهری در بافت‌های کهن ایران گردیده است که می‌تواند به مقوله «نگاهدشت»^۳ این آثار و الگوها موضوعیت بخشیده و ضرورت «بازآفرینی»^۴ آنها را گوشزد نماید.

1. Rigid

۲ در هر موضع از این نوشتار که عبارت «بافت تاریخی» به کار می‌رود، مقصود بافت‌های شهری متعلق به دوره‌های مختلف ماقبل و منتهی به معاصر است که به لحاظ تاریخی و زمانی به دوران قاجاریه و در مواردی به دوره پهلوی اول پایان می‌یابند. در مواردی که این بافتها از قدمت، اصالت و غنای تاریخی و معماری بیشتری برخوردار بوده و یا دارای الگوهای دست نخورده و یا منحصر به فرد و اصیلی باشند، اطلاق عنوان «بافت ارزشمند» دارای مناسبت و رسایی بیشتری خواهد بود.

3. Conservation

4. Regeneration

۵ بنا به اینکه در حال حاضر، بکارگیری واژه «حفاظت» در ادبیات رسمی مرمت کشور متداول‌تر از معادل پارسی آن (نگاهدشت) است لذا در خلال متن برای آسانی برقراری ارتباط مخاطب، در برخی موارد، واژه حفاظت به کار رفته است.

ارائه رویکردها و پیشنهادهایی برای نگاهداشت آرایه‌های معماری شهری و بازآفرینی آنها.

۱-۴- پیشینه تحقیق

در مورد آرایه‌ها و تزئینات در حوزه معماری، بسیار سخن گفته شده است و نقش و کارکرد آنها در منابع بسیاری مورد بحث قرار گرفته است. به اعتقاد یورگ گروتز، نیاز بشر به تزئینات همانقدر قدیمی است که نیاز بشر به محافظت فیزیکی. اولین نمونه‌های معماری بشر نیز تزئین یافته بودند. اما باید توجه داشت که تزئین در اینجا به معنی زیباتر ساختن بنا نبوده است بلکه این تزئینات بیشتر در ارتباط با خود بنا و یا با اشخاص بوده‌اند و جنبه استعاره‌ای و نمادین داشته‌اند (گروتز، ۱۳۷۵: ۵۲۴). گروتز بر این باور است که وظیفه عمده تزئینات، بیان ایده اصلی بنا بوده است (همان). رودولف آرنه‌ایم در «پویه‌شناسی صور معماری»، به نقش کارکردی و بیانی تزئینات معماری بر مبنای پویه‌شناسی پرداخته است. از نظر او گاهی پدید آمدن معماری لخت و عاری از تزئین واکنشی به تمایل افراطی برخی معماران به تزئین مفرط بوده است. اما در عین حال با مراجعه به آرا و دیدگاه‌های کسانی مانند کوماراسوامی^۱، یادآور می‌گردد که در فرهنگ‌های بزرگ جهان، «تزئین» یا «زینت»، تجمل نبوده، بلکه برعکس به صفات ضروری شیء یا شخص راجع بوده است (آرنه‌ایم، ۱۳۸۳: ۳۳۲). آرنه‌ایم به این نکته اشاره دارد که نیازهای فیزیکی و نیازهای روانی را نمی‌توان به سادگی از یکدیگر جدا کرد، چراکه نهایتاً هر دوی این

از سویی دیگر با توجه به تغییر رویکردهای معماری و شهرسازی معاصر و حذف تدریجی آرایه‌ها از اندام‌ها، اجزا و فضاهای شهری، کیفیات معماری فضاهای شهری دگرگون شده‌اند و بسیاری از مفاهیم و کیفیات بصری و معماری، از فضاهای شهری رخت بر بسته‌اند. از آنجا که این مفاهیم و کیفیات، دارای ارزش‌هایی ماندگار و بی‌بدیل هستند بنابراین، نگاهداشت آنها اهمیتی ویژه خواهد داشت.

بسیاری از فضاهای شهری امروز به دلیل حذف جزئیات معماری و آرایه‌ها و نقشمایه‌های تزئینی، بدنه‌هایی سرد، زمخت، بی‌روح و فاقد نفوذپذیری بصری را در مقابل مخاطب قرار می‌دهند. به نظر می‌رسد که بتوان با حفاظت از آرایه‌های معماری شهری در بافت‌های تاریخی، اقتباس‌هایی ظریف و زیبا را برای کیفیت‌بخشی به بافت‌ها و فضاهای جدید شهرها به ارمغان آورد که باعث دلپذیرتر و منعطف‌تر شدن و پویایی بیشتر آنها گردیده و مقیاس ادراکی کاملاً انسانی به آنها می‌بخشد.

۱-۳- اهداف

با توجه به ضرورتها و اهمیت‌های طرح مسأله حفاظت و بازآفرینی آرایه‌های معماری شهری در بافت‌های تاریخی، اهدافی مطابق زیر در مقاله حاضر دنبال می‌گردند:

تحلیل و تبیین نقش و جایگاه آرایه‌های معماری شهری در شهرهای گذشته؛

ارائه دسته‌بندی مشخص از انواع تزئینات و موتیف‌های آرایه‌ای در بافت‌های تاریخی؛

آسیب‌شناسی و تبیین ضرورت نگاهداشت آرایه‌ها

و نقشمایه‌های معماری شهری بافت‌های تاریخی؛

۱ Ananda K, Coomaraswamy، متفکر و حکیم هندی مقیم

نیز توصیفی از شهر امروز و آینده از منظر آذین و تزئین در طراحی شهری ارائه نموده است (Moughtin, Cliff. & Others, 1999: 145).

در زمینه معرفی آرایه‌ها در معماری ایرانی، بنا به وسعت و تنوع چشمگیر کاربرد تزئین در هنر و معماری این سرزمین، مطالب فراوانی گفته و نوشته شده است و اساساً بسیاری از منابع مکتوب که به توصیف معماری ایرانی پرداخته‌اند، بخش عمده‌ای از اهتمام خود را بر معرفی آرایه‌ها و تزئینات بی‌بدیل این معماری معطوف داشته‌اند. گروهی از این منابع توسط شرق‌شناسان و ایران‌شناسانی مانند پوپ^۲ و دیگران نگاشته شده‌اند که با علاقه و اشتیاق فراوان، درباره تزئینات معماری ایران از پیش از اسلام تا دوره‌های اخیر، سخن گفته‌اند (ر.ک.: پوپ، ۱۳۸۲). بسیاری از این صاحب‌نظران، اساساً معماری ایرانی را فارغ از آرایه‌ها و تزئینات آن نمی‌شناختند. در بسیاری از موارد، در هنر و معماری ایرانی و اسلامی، تزئین به عنوان جزئی غیر قابل انفکاک از معماری دانسته شده است. به گونه‌ای که دیمند نوشته است: «هنر محمدی [ص] ماهیتاً نوعی تزئین است و جای خالی به چشم مسلمان، تحمل‌ناپذیر است» (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹: ۱۰۵). اما در عین حال، غالباً توجه کمتری به نقش و کارکرد شهری آرایه‌ها و تزئینات شده و شاید به همین دلیل، موضوعیت «حفاظت»^۳ این آثار ارزشمند نیز آنچنان که باید و شاید، مورد توجه قرار نگرفته است.

۱-۵- فرضیه‌های تحقیق

از مجموع آنچه از منابع مکتوب و دیدگاه‌های صاحب‌نظران و همچنین رجوع به نمونه‌ها و مصادیق

نیازها جنبه معنوی و روحی دارند (گروتر، ۱۳۷۵: ۵۰۷). بر اساس غالب متون معماری، تزئین در فرهنگ‌ها و معماری‌های گذشته، کاملاً با معماری عجین بوده و جزئی از ترکیب کلی به شما می‌آمده است. اما به تدریج نوع نگاه به مقوله تزئین در دوران جدید (قرن بیستم) دگرگون شد. از جمله، در سال ۱۹۰۸م، آدولف لوس در مقاله خود به نام «نقش و جنایت»، دکوراسیون و تزئین را چیزی غیر اخلاقی معرفی نمود و آن را متعلق به سطوح پائین فرهنگی و غیر شایسته برای قرن بیستم برشمرد (همان: ۵۳۳). تقلیدی و وابسته به سبک‌های خاص شدن تزئینات از یکسو و ظهور مفهوم و رویکرد جدیدی از زیبایی‌شناسی تحت عنوان «زیباشناختی مهندسی» در این دوران نقش بسزایی در مطرود دانستن تزئینات داشتند (همان: ۵۳۴).

به طور کلی، در متون معماری و شهرسازی، التفات کمتری به مقوله نقش، جایگاه و کارکرد تزئینات و آرایه‌ها در شهرسازی و طراحی فضاها و جداره‌های شهری شده است. هرچند در پاره‌ای منابع - که عمدتاً در زمینه طراحی شهری پدید آمده‌اند - توجهاتی به موضوعیت و کارکرد اجزا و موتیف‌های آرایه‌ای گردیده است. از جمله منابعی که در این زمینه به طور مشخص به موضوعیت و جایگاه آذین و تزئین در طراحی شهری پرداخته‌اند می‌توان به کتاب «طراحی شهری، آذین و تزئین»^۱ (Moughtin, Cliff. & Others, 1999). اشاره نمود که در آن به فلسفه وجودی آذین و تزئین در طراحی شهری و پاره‌ای از مفاهیم و مصادیق مربوط به آن پرداخته و در نهایت

2. Arthur Upham Pope (1881-1969)

3. Conservation

1. "Urban Design - Ornament and Decoration"

به آنهاست که این اتحاد، ریشه در وحدت درونی هنرمندان آنها دارد. «نظم حاکم بر آثار و بقایای به جای مانده از شهرهای قدیمی ما نشانه وجود وحدت در آن آثار است. بافت این شهرها گرچه در درون و در محتوا دارای کثرت بوده‌اند، ظاهری منسجم داشته و وحدت را در شکل حفظ کرده‌اند» (تولایی، ۱۳۸۶: ۱۱)؛ چیزی که فقدان آن در دوران کنونی، باعث بروز انواع آشفتگی‌ها و ناهماهنگی‌ها در معماری ابنیه و فضاهای شهری ما شده است. بعلاوه آنکه کیفیات معماری بسیاری از فضاهای شهری امروز ما صرفاً در اثر ساخت تعدادی از ابنیه در مجاورت یکدیگر «حادث» گردیده و غالباً به گونه‌ای تصادفی و فاقد جهت و کیفیت مشخص و اندیشیده‌ای پدید می‌آیند. افزون بر آنکه «تجربه شکل شهر در حال حاضر نیز در دست بخش خصوصی است که اغلب در پی منطق «حداکثر سود» است. از این رو، شهر در حال ساخته شدن به شکل قطعه‌قطعه در واحدهای کوچک است که قواعد مشترک ندارد» (تولایی، ۱۳۸۶: ۴۴). و البته اگر از معیارهای خاص کیفی در تعریف فضای شهری گذر شود، فضای شهری چیزی جز این نیز نخواهد بود؛ چرا که «ساختمان را می‌توان به عینیت رساند، اما معماری و طراحی شهری را فقط در نظام‌های نسبتاً پایدار، که در آنها ارزش‌های انسانی با فعالیت و مکان گره خورده باشند، می‌توان قطعی کرد.» (مایس، ۱۳۸۴: ۹).

علاوه بر وحدت و هماهنگی میان معماران، که رکن اصلی و حیاتی در وحدت و هماهنگی آثار معماری گذشته بوده است، میان معماران و ارباب سایر هنرها و فنون مرتبط نظیر نجاری، آهنگری، حجاری، نقاشی، خطاطی، کاشیکاری و ... نیز این

موجود در شهرهای تاریخی ایران به دست می‌آید، می‌توان فرضیات اولیه‌ای بدین صورت ایراد نمود که به نظر می‌رسد آرایه‌ها، جزئیات و موتیف‌های تزئینی، محمل مهمی برای پذیرش و انتقال اندیشه‌ها، افکار و باورهای مردمان گذشته بوده و در عین حال، عامل مهمی در کیفیت‌بخشی به فضاها و بدنه‌های شهری بافت‌های تاریخی بوده‌اند و از این رو ضرورت دارد که مورد حفاظت و تلاش در جهت بازآفرینی قرار گیرند.

۱-۶- روش، مواد و محدوده پژوهش

در این پژوهش بر اساس تحلیل نظری موضوع با رجوع به مبانی نظری و آراء و دیدگاه‌ها و همچنین تحلیل فنی و رجوع به نمونه‌ها و مصادیق آرایه‌های شهری، به واکاوی موضوع پرداخته شده است و نهایتاً بر مبنای استدلال‌های نظری و فنی مرمت شهری، به تبیین ضرورت‌های نگاهداشت آنها اقدام می‌گردد. در بخش‌های میدانی، داده‌ها و مواد اولیه تحقیق از نمونه‌های موجود در بافت‌های تاریخی شهرها برگرفته و در کنار یکدیگر قرار داده می‌شوند. تحلیل‌ها بر اساس مفاهیم و قواعد زیبایی‌شناسی، طراحی شهری و مرمت شهری صورت می‌گیرند. بنا به آنچه در عنوان کلی موضوع تصریح گردیده است، تبیین و تحلیل نقش و ضرورت نگاهداشت آرایه‌های معماری شهری، در محدوده بافت‌های تاریخی شهرها صورت خواهد گرفت.

۲- مفاهیم و مبانی نظری

۲-۱- وحدت در شهرهای تاریخی

بناها و بافت‌های تاریخی ما زائیده اتحاد، انسجام و هماهنگی میان معماری، شهرسازی و هنرهای وابسته

نوع بشر در زمان‌ها و مکان‌های مختلف برشمرد. به دلیل وجود قواعد نانوشته بین معماران و نیز وحدت عوالم ذهنی ایشان، علی‌رغم آنکه کسانی به عنوان «طراح شهری» جدا از معماران به طراحی و سامان بخشیدن به فضاهای شهری نپرداخته‌اند، لیکن منسجم‌ترین، هماهنگ‌ترین و به بیان عام، زیباترین فضاها و آثار معماری شهری را می‌توان در بافتهای تاریخی شهرها جستجو و مشاهده نمود که این امر در جای خود بسیار قابل تأمل خواهد بود.



شکل ۲- ارسن تاریخی مسجد جامع نائین، وحدت و هماهنگی در بافتها و بناهای اصیل تاریخی



شکل ۳- کاخ شمس‌العماره در مجاورت بافت جدید تهران، مخدوش شدن آن در گسترش ساخت و سازهای جدید و ناهماهنگ

اتحاد درونی به گونه‌ای بوده است که آثار بر جای مانده از تعامل آنها با یکدیگر، این تصور را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که گویی کل اثر، محصول کار هنرمندی واحد است.



شکل ۱- بافت تاریخی شهر مهربز در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ ه.ش. بافت‌های سنتی تجلی وحدت و انسجام در عین کثرت و گونه‌گونی

برخی از پژوهشگران این وحدت را ناشی از جهانیابی وحدت‌گرایی ما یعنی گرایش به پیوند با کلی بزرگتر و اتصال با نظام آفرینش و آفریننده آن فرض کرده‌اند» (تولایی، ۱۳۸۶: ۳۳). این اتحاد و هماهنگی درونی را به تعبیری دیگر می‌توان ناشی از «وحدت عالم ذهنی» و «وحدت درونی» هنرمندان آنها دانست؛ عالم حیات باطنی (معقول) انسان و عالمی که از دریاچه آن، به کائنات و جهان هستی می‌نگرد و زندگی او در آن معنا می‌یابد. بنابراین خوبی و بدی و زشتی و زیبایی پدیده‌ها و اشیای بیرونی، از منظر آن عوالم ذهنی نگریسته شده و ارزیابی می‌گردد.

بخشی از آنچه در عوالم ذهنی نوع بشر می‌گذرد، در محیط زندگی او بازتاب و تجلی می‌نماید. از این منظر، معماری شهرها و خانه‌ها، یکی از مهم‌ترین نمودهای عینی و ملموس تراوشات آن عوالم ذهنی است. به همین دلیل، معماری ابنیه و فضاهای شهری را می‌توان مدخلی برای ورود و ارزیابی عوالم ذهنی

از آن دارد که کیفیات معماری فضاهاى شهری، مقوله‌ای است که تا حد زیادی مغفول مانده و گاه به طور اتفاقی در اثر ساخت و سازهای معماری و عناصر شهری، «حادث» می‌گردد. یقیناً این مطلب قابل تعمیم به کل بافت‌های شهری کشور نیست، اما در غالب موارد نیز چیزی جز این نیست. کیفیات معماری کوچه‌ها، خیابانها و حتی میادین امروز ما، در بسیاری از موارد چیزی نیست که در فرآیندی هدفمند و اندیشیده شکل گرفته باشند بلکه محصول استقرار و ساخت تعدادی از بناها با روحیات معماری و کیفیات بصری غالباً متفاوت و ناهماهنگ و ترکیب آنها با معابر، تأسیسات زیربنایی و سایر عناصر و اجزای ملحقة شهری هستند. علاوه بر مفهوم و موضوعیت فضا، موجودیت دیگری با عنوان «مکان» نیز در شهر وجود دارد که از جهاتی دارای اهمیتی فراتر از فضا نیز هست. «در حالی که فضا را گستره‌ای باز و انتزاعی می‌بینیم، مکان بخشی از فضاست که به وسیله شخص یا چیزی اشغال شده باشد و دارای بار معنایی و ارزشی است...» (مدنی پور، ۱۳۸۴: ۳۲). بنابراین طراحی شهری به منظور پدید آوردن مکان در شهر، لازم است اولاً به حضور انسان به عنوان مخاطب اصلی توجه نماید و ثانیاً به جنبه‌های معنایی و ارزشی آن نیز توجه داشته باشد. بخشی از این هدف از طریق آرایه‌ها، تزئینات، نقشمایه‌ها و نمادپردازی‌ها امکان تحقق می‌یابد.

در بیشتر موارد، اکتفا به حفاظت، مرمت و احیای معدودی از تک بناها و مونومانها^۱، اهمیت و حساسیت حفاظت از کلیت و انسجام بافت‌های تاریخی و فضاهاى شهری مربوط به آنها را در محاق قرار داده است؛ حال آنکه موارد اخیر شاید از نظر حفاظت دارای حساسیتی بالاتر و به لحاظ بازیابی، دست نیافتنی‌تر از تک‌بناها باشند. هرچند روش جامع‌تر و صواب‌تر، آنست که کلیت شهر تاریخی در یک دورنمای گسترده زمانی و مکانی نگریسته شده و در راستای نگاهداشت آن منظر کلی یکپارچه و منسجم - یعنی منظر فرهنگی شهر^۲ - کوشش شود. در شرایطی که موضوعیت حفاظت از کلیت بافت‌های تاریخی مورد توجه جدی قرار نداشته باشد، حفظ بخشی از موجودیت آن و بطور مشخص موتیف‌ها و اجزای تزئینی بافت‌ها و فضاهاى شهری متعلق به گذشته، به طریق اولی مورد غفلت خواهد بود.

۲-۲- «طراحی شهری» در بافت‌های تاریخی

فضاها و مجموعه‌های زیستی امروز در تعاملی میان حرف مختلفی شکل می‌گیرند که در کلان‌ترین لایه، شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری^۳ و در خردترین لایه، طراحی معماری قرار می‌گیرد. در این میان آنچه به عنوان یک حلقه اتصال و پرکننده فاصله میان آن دو ایفای نقش می‌کند، مقوله «طراحی شهری»^۴ است. در خوشبینانه‌ترین حالت، کیفیات معماری فضاهاى شهری توسط طراحان شهری، تعریف شده و شکل می‌گیرند، اما واقعیت پیرامون در بسیاری موارد نشان

1. Monuments
2. Urban Cultural Landscape
3. Urban Planning
4. Urban Design

مهم شهری مانند میداين، بازارها، معابر و... عموماً اهتمام معمارانه ویژه‌ای احساس می‌شود. اما دشواری پاسخ، مربوط به انکشاف نظام اجتماعی، فرهنگی و حرفه‌ای حاکم بر مردم، معماران و ارباب حرفه وابسته به معماری است که ضمانت ایجاد چنان کیفیاتی را در بر داشته است. این امر از آنجا ناشی می‌گردد که این نظام‌ها، نظام‌های نانوشته‌ای هستند که به طور سینه به سینه و گاه بصورت اسرار و رموزی از یک نسل به نسل بعد انتقال یافته و اساساً در بطن اجتماع نهفته بوده‌اند. راه بردن به کُنه این نظامات کار ساده‌ای نیست و صرفاً از طریق بررسی بازتابهای بیرونی آنها نیز میسر نخواهد گردید.^۳



شکل ۵- میدان وقت‌الساعة و خانه روی سباباط در گلوگاه ورود به آن، شکل‌گیری فضاهای شهری نظیر میدانها، حسینیه‌ها و تکایا، سباباط‌ها و امثال آنها، علاوه بر ابتنا بر اهتمام خاص حرفه‌ای در صنف معماران بر تعریف فضاهای شهری، دارای پشتوانه محکمی از یک نظام استوار اجتماعی نیز بوده است که رهبایی به آن نظامات شاید امروز، چندان ساده و در دسترس نباشد.

تاریخی ایران می‌توان به ارسن نقش جهان اصفهان، امیرچخماق یزد، گنجعلی‌خان کرمان و... اشاره نمود.

۳ به عنوان یک نمونه ساده، می‌توان به آئین پوش کشیدن بر مساجد، حسینیه‌ها و حتی کوچه‌ها که در بسیاری از شهرهای ایران نیز مرسوم بوده است اشاره نمود. با این که پوش و نحوه اجرای آن ظاهری ساده دارد، اما «پوش کشیدن» روی مسجد و گذر و حسینیه، خود دارای آئین خاصی است که آنرا از یک فعالیت فیزیکی معمول، متمایز نموده و در قالب آئین و نظام اجتماعی و فرهنگی خاصی درمی‌آورد.



شکل ۴- جلوخان مسجد سید، از بناهای دوره قاجاریه در اصفهان توجه ویژه به فضاهای شهری و طراحی معمارانه آنها در بافت‌های تاریخی به الگوهای بسیار نغز - مانند جلوخان‌های زیبا، بازارها و نظایر آنها - منجر گردیده است. در فضاهای مهمی از این قبیل، ریزه کاری‌ها و آرایه‌های معماری شهری، منجر به پدید آمدن نقاط عطف دل‌انگیزی در شهر می‌گردند

از آنجا که در ادوار گذشته، حرفه‌ای مستقل با عنوان «طراحی شهری» وجود خارجی نداشته است، پس تفاوت میان روند شکل‌گیری بافت‌ها و فضاهای شهری در گذشته و حال چیست که چنین افتراقی بین آن دو به وضوح قابل مشاهده است؟ از طرفی می‌توان این مطلب را ناشی از توجه جدی به کیفیات فضاهای عمومی و شهری در روند شکل‌گیری آثار معماری دانست؛ به نحوی که در جریان ساخت یک بنا، وجوه تأثیرگذار آن بر کیفیات معماری فضاهای شهری متأثر از آن نیز مورد تأمل و دقت قرار می‌گرفته است.^۱ همچنین در شکل‌گیری معماری «ارسن»ها^۲ و فضاهای

۱ بسیاری از ظرافت‌های بکار رفته در ساختار، شکل و یا اجزای فضایی بافت‌های تاریخی، ناشی از اعتقادات، باورها و در یک عبارت، فرهنگ عمومی جامعه بوده است. به عنوان مثال برخی عناصر شهری مانند سباباطها، سقاخانه‌ها، پیرنشین‌ها، صفاها و طاقناها بر اساس یک فرهنگ غالب عمومی و مترقی با رویکرد خیرمندی و خیررسانی به دیگران شکل گرفته‌اند. طبعاً بخشی از کیفیتهای نغز و دلپذیر موجود در فضاهای شهری ما مرهون همین عناصر و اجزاست که از بانی و سازنده بسیاری از آنها نیز در هیچ کجا، نامی و نشانی نمی‌توان یافت!

۲ ارسن به مجموعه‌ای از بناها و اندام‌های معماری که دارای کارکرد شهری بوده و در کنار یکدیگر، یک مجموعه شهری را شکل می‌دهد و در اطلاق می‌گردد. از نمونه‌های شاخص و مهم ارسن‌های شهری در شهرهای



شکل ۶- خیابان تربیت تبریز (متعلق به دوره پهلوی)، توجه به کیفیات معماری شهری، هم در مقیاس فضا و هیأت کلی ابنیه (کالبد) و هم در مقیاس عناصر سازنده جداره و تزئینات



شکل ۷- خانه‌ای بر روی ساباط (میدان وقت‌الساعه در یزد)، توجه به کیفیات معماری شهری، هم در مقیاس فضا و هیأت کلی ابنیه (کالبد) و هم در مقیاس عناصر سازنده جداره و تزئینات

معماری شهری به نوبه خود دارای دو ساحت کلان «فضایی» و «کالبدی» است که بطور عمیق با «فعالیت»ها و «رفتار»های انسانی در هم آمیخته و معنا یافته است؛ هرچند نمی‌توان ساحت‌های فضایی، کالبدی و رفتاری را بطور کاملاً متمایزی از یکدیگر تفکیک نمود. بطور غالب و معمول، مؤلفه‌ها و اجزای کالبدی شکل‌دهنده و مؤثر در معماری فضاهای شهری عبارتند از: بدنه‌ها، کف‌ها، سقف‌ها و اجزای الحاقی (نظیر مبلمان شهری، تأسیسات و...). آنچه ما از آن به تزئینات معماری شهری تعبیر می‌کنیم، اجزایی هستند

۳-۲- مفهوم معماری شهری

به بیان ساده، مرز انتهای عرصه اختصاصی و درونی دانه‌های معماری، سرآغاز «معماری شهری»^۱ است. معماری شهری را می‌توان به عبارتی، معماری فضاهای شهری دانست و از این رو، معماری شهری، ناظر بر طراحی جزئیات و عناصر تشکیل‌دهنده بدنه‌ها و اندام‌های محصورکننده و در بر گیرنده فضاهای شهری در مقیاس معماری خواهد بود. هر کجا در محدوده شهر و بافت شهری که انسان در ساحت اجتماعی و عمومی حضور دارد و به تبع این حضور، درکی از محیط پیرامون به دست می‌آورد، در محدوده تأثیر معماری شهری واقع است. جلوخان، دربند، کوچه، گذر، ساباط، بازار، تکیه، لرد، میدان و... در ساختار بافت‌های تاریخی و کوچه، خیابان، بلوار، میدان (فلکه)^۲ اتوبان و... در بافت‌های جدید، تماماً ناظر بر فضاهای شهری و دارای تعریف مفهومی و کالبدی از معماری شهری هستند. با این وصف می‌توان دریافت که اهمیت و دایره نفوذ و تأثیرگذاری معماری شهری، کمتر از معماری تک بناها و فضاهای اختصاصی نیست.

1. Urban Architecture

۲ در تعریف جدید واژگان فضایی شهرها، بلحاظ اهمیت دادن و تا حدود زیادی اصالت بخشیدن به حضور اتومبیل، «میدان» بر خلاف مفهوم و کارکرد گذشته که فضایی برای حضور پیاده بوده است، غالباً - چنانکه هنوز هم در بسیاری از شهرهای ما مرسوم است - عنوان «فلکه» را در معنای محل عبور و گردش اتومبیل یافته است.

هندسه چیدمان و ترکیب عناصری مانند آجر و قلوه‌سنگ در کفسازی معابر و واشدگاه‌ها، هندسه سنگ‌چینی و یا آجرچینی و حتی حجاری‌های صورت گرفته در ساخت ازاره‌ها، هندسه قاب‌بندیها، اندودکاریها و حتی الگوهای شکل‌گیری روزنه‌ها و بازشوها در بدنه معابر، هندسه و نحوه چیدمان و ترکیب مصالح در شکل‌گیری رخ‌بام‌ها و نیز الگوهای طراحی عناصر و المانهای معماری نظیر دودکش‌ها، بادگیرها، کلاه‌فرنگی‌ها و جان‌پناه‌ها و.. شامل گونه‌های بسیار متنوعی هستند که بسیاری از آنها اساساً علاوه بر آنکه برانگیزاننده حس زیبایی در بیننده‌اند، نقش بسیار مهمی در هویت‌بخشی به فضاهای شهری و بدنه‌های ابنیه معماری دارند. به عنوان مثال، گونه‌ها و الگوهای از ساخت رخ‌بامها ذهن مخاطب را مستقیماً به دوره قاجاریه و یا پهلوی اول سوق می‌دهند و احساسی از «بعد چهارم» یعنی «زمان» را در فضای ادراکی وی ایجاد می‌کنند. برخی الگوهای به کار رفته در ساخت ورودیها و سردرها، گذشته‌های دورتری را در ذهن تداعی می‌کنند؛ مانند الگوهای بکار رفته در معماری سردرهای دوره ایلخانی و تیموری. همچنین در مواردی، برخی الگوهای فضایی نظیر ایوانها و بالکن‌ها و.. نیز در شکل‌گیری لبه‌ها و معماری جداره‌های شهری شکل گرفته و نقش چشمگیری می‌یابند. نمونه‌های این الگوهای فضایی در معماری قاجاری و پهلوی کاملاً مشهود است که تا حدود زیادی نشان‌دهنده سیر تدریجی معماری ایرانی از درونگرایی به سمت

که غالباً در نحوه تعریف و شکل‌گیری اجزای فوق تحقق یافته و نوعی ویژگی هنری و زیبایی‌شناختی به آنها می‌بخشند. به عنوان مثال گل‌اندازه‌های کفسازی، نقوش ازاره، اندود و شمشه‌گیری در بدنه‌سازی، هندسه آجرچینی در رخ‌بام و.. همگی در زمره آرایه‌های معماری شهری هستند که بر اساس نقشمایه‌هایی غنی، اصیل و معمارانه شکل گرفته‌اند.

۲-۴- آرایه‌های معماری شهری و ضرورت‌های نگاهداشت آنها

چنانکه گذشت نقشمایه‌های تزئینی، در واقع «الگو»‌هایی هستند که بر اساس آنها اجزای معماری شهری به گونه‌ای زیبا، موزون و متناسب پدید آمده‌اند. «تزئین را باید از اجزای جدایی‌ناپذیر معماری دانست... در واقع تزئین فضای معماری، بر پایه تمایل به شخصیت‌بخشی به فضاها بوجود آمده است» (اسفنجاری، ۱۳۸۵: ۲۱۱). «فرانک» لوید رایت معتقد بود که: تزئین در معماری همانند ملودی در موسیقی، اصول مشخص و مفهوم شاعرانه را در ویژگی و اهمیت اثر، آشکار می‌سازد. تزئین در معماری نوع بشر همانقدر طبیعی است که لاک سنگی برای لاک‌پشت طبیعی می‌باشد. و همانند پر و بال برای پرنده، اجتناب‌ناپذیر است...» (توماس، ۱۳۸۹: ۵۶). به اعتقاد رایت، «تزئین جزئی منسجم از یک اثر معماری است و ویژگی ساختار را آشکار می‌سازد. به عبارت دیگر، تزئین «از» یک اثر برآمده است، نه آن که «روی» آن قرار گرفته باشد» (تولایی، ۱۳۸۶: ۶۸).



شکل ۱۰- نیش کوچه در بافت تاریخی شهر اردکان (یزد). توجه ویژه به معماری جداره‌ها خصوصاً در تعریف نیش‌ها و نقاط گردش معابر



شکل ۱۱- نیش کوچه در خیابان تربیت تبریز، توجه ویژه به معماری جداره‌ها خصوصاً در تعریف نیش‌ها و نقاط گردش معابر

بر این مبنای، نقشمایه‌های تزئینی معماری شهری از دو جهت دارای اهمیت و ضرورت حفاظت هستند؛ یکی به جهت قدمت، ریشه‌داری و هویت‌بخشی به بدنه‌ها و فضاها، کهن شهری و دیگری بخاطر کیفیت‌زایی و به تبع آن، الهام‌بخشی آنها در بازتعریف کیفیت‌ها و الگوهای معماری شهری امروز، خواه متصل به بافت‌های تاریخی و خواه منفصل از آنها.

برونگرایی می‌باشد.^۱ این الگوهای فضایی غالباً بستر مساعدی برای بروز پاره‌ای موتیف‌ها و تزئینات شهری نیز گردیده‌اند که از جمله آنها می‌توان به انواع شبکه‌سازیه‌ها، فرورژه‌های فلزی، روزنه‌ها و بازشوها، ستونها و سرستونها و انواع طاقهای تزئینی اشاره نمود.



شکل ۸- بافت تاریخی سکونتگاه‌های حاشیه‌زاینده رود در استان چهارمحال و بختیاری (کوهستانی)، نقشمایه‌های معماری شهری هم در مقیاس کلان و هم در مقیاس خرد، نقش مؤثری در کیفیت‌زایی و هویت‌بخشی فضاها و جداره‌های شهری دارند.



شکل ۹- بافت تاریخی شهر نائین (گرم و خشک)، نقشمایه‌های معماری شهری هم در مقیاس کلان و هم در مقیاس خرد، نقش مؤثری در کیفیت‌زایی و هویت‌بخشی فضاها و جداره‌های شهری دارند.

۱ لازم به ذکر است پاره‌ای از الگوهای فضایی مذکور، در معماری‌های بومی روستاهای کشورمان وجود دارند که دارای ریشه‌ها و سیر شکل‌گیری متفاوتی بوده و ارتباطی با گرایش معماری معاصر ایران به سمت الگوهای غربی ندارند.

که هستند» (تولایی، ۱۳۸۶: ۱۱۳). دیدگاه کریستوفر الکساندر^۲ را نیز اینچنین تبیین می‌نماید: «به نظر او در گذشته زبان الگو^۳ در فرهنگ موجود بود که همه با آن آشنا بودند و محیط زندگی بر اساس آن شکل می‌گرفت. اما آسیب‌شناسی شهری حاضر به نابودی این زبان الگو یا به تعبیر دریدا زبان اصیل اشاره دارند» (تولایی، ۱۳۸۶: ۱۱۵). در جایی دیگر به نقل از گلای درباره بازسازی‌های پس از جنگ، «تکرار نقشمایه‌های سنتی معماری» را به عنوان یکی از خواسته‌های هفتگانه اصلی مردم در اقدامات بازسازی برمی‌شمرد (تولایی، ۱۳۸۶: ۱۴۴). در مجموع، در اهمیت آرایه‌های معماری شهری که منجر به ضرورت حفاظت و بازآفرینی آنها نیز می‌گردد می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

«کیفیت زایی» و کیفیت‌بخشی به فضاهای شهری و معماری جداره‌ها و غنا بخشیدن به آنها؛
اثر عمیق و ریشه‌دار در «هویت‌بخشی» به فضاهای شهری و بدنه‌های بیرونی بناها؛
ایجاد حس «خاطره‌انگیزی» و ماندگاری در ذهن افراد؛
«شخصیت‌بخشی»^۴ و ایجاد کاراکترهای متنوع و قابل آدرس‌دهی در معماری فضاهای شهری؛

به عبارت دیگر، از وجه اول، موتیف‌ها، الگوها و نقشمایه‌های تزئینی شهری، بواسطه ارزشهای درونی و ذاتی خویش و به لحاظ تأثیرگذاری بر فضاهای کهن و اصیل شهری، واجد ارزش و اهمیت و ضرورت ویژه جهت حفاظت هستند. اما از وجه دوم، ضرورت نگاهداشت آن الگوها مستقیماً متأثر از ارزش ذاتی مندرج در آنها نیست بلکه بواسطه تأثیری است که می‌توانند بعنوان الگوهای قابل تعمیم در کیفیت‌بخشی و هویت‌بخشی به فضاهای جدید شهری داشته باشند. این امر در بافتهای مرتبط به بافتهای تاریخی و فضاهای شهری آنها به طور مشخص‌تری قابلیت تسری و تعمیم خواهد داشت. ضرورت این ویژگی آنجا آشکارتر می‌گردد که فضاهای شهری جدید عموماً به دلیل غلبه حضور اتومبیل و حرکت توأم با سرعت عابران و همچنین خستگی بودن بدنه‌های شهری، فاقد جزئیات و کیفیات ادراکی مناسب بوده و از این لحاظ دچار فقر هستند. هرچند در بسیاری موارد، فضاهای شهری و بدنه‌های پیرامون آنها به علت وجود عوامل مُخلِ بسیار و فقدان انسجام در معماری بدنه‌ها و عناصر الحاقی، تأسیسات و مبلمان شهری، تنوع و بی‌برنامگی در تنوع و کیفیت استفاده از مصالح و... دچار تشتت و آشفتگی بسیار زیادی بوده و اساساً فاقد کیفیتهای مطلوب معماری هستند.

در کتاب شکل شهر منسجم با اشاره به دیدگاه‌های کوین لینچ^۱، اینطور آمده است: «لینچ بر انسجام ادراکی نسبت به منظر شهر و شکل‌های محسوس آن تأکید داشت و در صدد ایجاد مکانهایی بود که حس هویت، امنیت، لذت و فهم منظر شهر را القا کنند. این حس به مردم کمک می‌کند تا بدانند در کجا هستند و

2. Christopher Alexander

3. Pattern Language

۴ «ابده آذین و تزئین به کار رفته برای تشریح ساختار شهر، نقطه عزیمت ارزشمندی برای تدوین راهکاری برای پراکنش آذین در شهر پسمادرن است. این تفکر، اصول مشخص در قوانین «پیوجین» را امتداد می‌دهد؛ آنجا که می‌گوید همه تزئینات شهر برای غنا دادن به ساختار حیاتی شهر به کار می‌روند؛ حتی کوچکترین تزئینات یا واجد معنایی هستند و یا هدفی را پی می‌جویند... هدف از چنین تزئینی، آفرینش شهری است با فضای بصری قوی» (موتین، ۱۳۸۷: ۸۹).

5. Characterization

1. Kevin Lynch

موجب تعریف متفاوتی از «شهر به مثابه خانه»^۲ خواهد گردید که به نظر می‌رسد با تلقی‌ای که امروز از شهرهای ما موجود است، بسیار متفاوت باشد. اگر چنین نگرشی بر شکل‌گیری معماری شهری حاکم نباشد، اصولاً نقشمایه‌ها و آرایه‌های معماری شهری نیز جایگاهی نخواهند داشت و دانه‌های معماری - به ناگزیر - با چهره‌ای خنثی و بی‌تفاوت، فضاهای شهری را رقم خواهند زد.



شکل ۱۴- ایوان‌های مشرف به فضای شهری (کاخ شمس‌العماره - تهران)، الگوهای خاص فضایی مؤثر در کیفیات معماری شهری، به مثابه اجزای لاینفک معماری ابنیه و فضاهای شهری



شکل ۱۵- بالکن‌های بالای ورودی‌ها و مشرف به فضای شهری (جداره متعلق به دوره پهلوی اول - تبریز)، الگوهای خاص فضایی مؤثر در کیفیات معماری شهری، به مثابه اجزای لاینفک معماری ابنیه و فضاهای شهری

«مأنوس‌سازی» فضای شهری برای افراد و ایجاد و القای «مقیاس انسانی»^۱ و ۱:۱ در تعریف و ادراک فضای شهری و توجه به حضور انسان (فرد پیاده) در فضاهای شهری در پرتو ایجاد معماری گرم و منعطف در بدنه‌ها و کف و پرهیز از فضاها و بدنه‌های صلب، زمخت و عاری از جزئیات؛ ایجاد قابلیت‌هایی برای «کنجکاوی»، «کشف» و «تماشا» در معماری فضا و بدنه‌های شهری؛



شکل ۱۲- جداره‌های شهری متعلق به دوره پهلوی (تبریز)، عناصر ارزشمند هویت‌بخش و کیفیت‌زا در معماری جداره‌های شهری، عمیقاً نیازمند حفاظت هستند.



شکل ۱۳- جداره‌های شهری متعلق به دوره پهلوی (تبریز)، عناصر ارزشمند هویت‌بخش و کیفیت‌زا در معماری جداره‌های شهری، عمیقاً نیازمند حفاظت هستند.

ویژگی‌های فوق را می‌توان در یک عبارت خلاصه نمود و آن اینکه توجه به آرایه‌های معماری شهری

معاير و فضاهای شهری گردند. هندسه و جزئیاتی که وابسته به دیگر عناصر سازنده کف و محوطه هستند از قبیل باغچه‌ها، حوض‌ها، آبنماها و مسیرهای حرکت آب نیز در شکل‌گیری معماری کف و محوطه فضاهای شهری، نقش بسزایی دارند که به نوبه خود دارای زیبایی و کارکردهای ویژه خود هستند.



شکل ۱۶- کفسازی صورت گرفته در بافت قدیم محله جلفای اصفهان، اهمیت کفسازی و عناصر معماری محوطه در کیفیت بخشی به فضای شهری

– آرایه‌های متعلق به معماری بدنه‌ها

بدنه‌ها در تعریف فضای شهری و شکل‌گیری کیفیات آن، نقش بارزتری نسبت به سایر اجزای سازنده فضای شهری دارند. همچنین با توجه به نوع ادراک فضای شهری و دیده شدن عناصر سازنده آن، بدنه‌ها بیش از سایر اجزا در معرض دید و ادراک توسط مخاطب قرار دارند. از این رو در فضاهای شهری کهن، آرایه‌ها و تزئینات به نحو چشمگیرتری در بدنه متمرکز گردیده‌اند و تنوع بیشتری یافته‌اند. این دسته از آرایه‌ها دارای زیردسته‌هایی مطابق ذیل هستند:

ازارها و پادامنه‌ها (سنگی، آجری، معقلی، کاشی و...)

۲-۵- دسته‌بندی اجزای متعلق به آرایه‌های معماری شهری

بررسی‌های میدانی‌ای که توسط پژوهشگران، در زمینه شناسایی انواع آرایه‌ها و موتیف‌های تزئینی معماری شهری صورت گرفته است، نشان از آن دارد که آرایه‌های معماری شهری به نوبه خود دارای اجزای متعدد و متنوعی هستند که شناسایی آنها شرط لازم برای شروع هر گونه مداخله و اقدامی است. علاوه بر آنکه انواع مختلفی از آرایه‌ها در معماری فضاهای شهری قابل شمارش هستند، هر کدام از این انواع، دارای گونه‌های متنوعی می‌باشند که گونه‌شناسی هر دسته، خود می‌تواند موضوع پژوهش مجزایی باشد. این اجزا را بصورت فهرست‌وار می‌توان اینچنین دسته بندی نمود:

– آرایه‌های متعلق به کف

کفسازی معابر و فضاهای شهری و به عبارت کلی، عناصر معماری کف در فضاهای شهری، علاوه بر نقش عملکردی خاصی که دارا هستند می‌توانند با در بر گرفتن برخی الگوها و نقشمایه‌های تزئینی، جنبه‌هایی از زیبایی‌شناسی و کیفیت‌های محیطی را پدید آورند. از جمله این موارد می‌توان به انواع هندسه‌های آجرچینی، سنگ‌فرش و گل‌اندازه‌های سنگی و آجری که در معماری فضاهای شهری ایران معمول بوده‌اند اشاره نمود. هندسه و نقوش مورد استفاده در کفسازی، در ضمن زیبا نمودن سطوح کف، می‌توانند باعث جهت دادن به کف و تعریف محورهای ادراکی و همچنین، تقسیم عرصه‌های کف و تعریف نقاط مکث، حرکت و عطف در محوطه‌های

روزنه‌ها و بازشوها، درها، پنجره‌ها، نورگیرها، شبکه‌ها (فلزی، گچی، چوبی، آجری، کاشی و...) نودانها (فلزی، آجری، سنگی، چوبی، کاشی) و سایر عناصر تأسیساتی نورپردازی، چراغ‌ها و انواع منابع روشنایی بدنه‌ها نرده‌ها و دست‌اندازها (چوبی، فلزی، آجری، کاشی و...) و...



شکل ۱۸- دانشکده هنر ادیان و تمدنها، دانشگاه هنر اصفهان (خانه تاریخی)، جایگاه روزنه‌ها و بازشوها در معماری جداره‌ها



شکل ۱۹- کوچه سنگ‌تراشها (اصفهان)، جایگاه روزنه‌ها و بازشوها در معماری جداره‌ها

۲-۷- الگوهای فضایی مؤثر در معماری فضاها شهری

شاید این عناصر را نتوان در وهله نخست به عنوان آرایه‌ها معماری شهری به شمار آورد، لیکن غالباً علاوه بر نقش اولیه معماری خود - بواسطه تمرکز پرداخت‌های معماری و آرایه‌ای و کیفیت تظاهر بیرونی آنها - نوعی کارکرد تزئینی و کیفیت‌بخشی به

بدنه‌سازی‌ها، قاب‌بندی‌ها، تاقنماها، آرایه‌های روی بدنه (کاشیکاری، شمشه‌گیری و اندودکاری، معقلی و نقوش آجرکاری، شبکه‌چینی، مقرنس‌کاری، جزئیات سنگی و...) گوشه‌ها و نبش‌ها (آجرکاری، اندودکاری و...) رخ‌بام‌ها (آجری، سنگی، فلزی و...) و خطوط لبه بام‌ها (آجرچینی، شرفی‌چینی، شبکه‌چینی و...)



شکل ۱۷- کوچه سنگ‌تراشها (اصفهان)، اجزای شکل دهنده به معماری جداره‌های فضای شهری اعم از روزنه‌ها و بازشوها، سردر ورودی، خطوط ناظم، رخ‌بامها و...

۲-۶- اجزای ملحق به بدنه‌ها

علاوه بر اجزا و عناصری که بطور ذاتی جزء معماری بدنه‌های شهری بوده و بر هویت و کیفیت فضاها شهری تأثیرگذارند، بخشی از موتیف‌های آرایه‌ای، در عناصری که به بدنه‌های معماری ملحق می‌گردند، شکل می‌گیرند. این دسته از عناصر افزون بر عملکرد ویژه خود و افزایش کارایی فضاها معماری و شهری، موجب ارتقای سطح کیفی و زیبایی بدنه‌ها و فضاها شهری نیز می‌گردند. از جمله این اجزا می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:



شکل ۲۰- سردرهای ورودی، رواق، ایوان و بالکن‌ها در محله تاریخی جلفای اصفهان، عناصر معماری و الگوهای فضایی تأثیرگذار در هویت معماری شهری و کیفیات فضای شهری

۲-۸- آرایه‌های متعلق به عناصر و المان‌های مؤثر

در معماری فضای شهری

در بافت‌های تاریخی شهرهای ما معمولاً عناصر و المان‌هایی وجود دارند که به گونه‌های مختلف، کیفیت معماری فضاهای شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این اثرات ممکنست در خط آسمان، در نمای بلافصل و یا حتی در لایه‌های دورتر از بدنه بلافصل تحقق یابد. با توجه به اینکه عناصر یاد شده، در بیشتر موارد نقش نوعی عنصر شاخص شهری را نیز در برمی‌گیرند، بنابراین، معمولاً بسیاری از این عناصر و المانها، دارای آرایه‌ها و پرداخت‌های قابل توجهی هستند. از مصادیق عناصر و المانهای یاد شده می‌توان به این موارد اشاره نمود:

ستون‌ها، سرستون‌ها و المانهای معماری بدنه
سقفها، پوشش بام‌ها، سباباطها و تویزه‌ها (لنگه
تاقها)

بادگیرها و بادخان‌ها؛

کلاه فرنگی‌ها، خیشخان‌ها و گنبدخانه‌ها؛

دودکش‌ها و جامخانه‌ها؛

فضاهای شهری نیز می‌یابند. خصوصاً آنکه بطور معمول در معماری گذشته، توجه به درون (درونگرایی)، به نحو ذاتی باعث سلب توجه ویژه به بیرون می‌گردید. اما در نقاطی هرچند محدود، تجلیات و تظاهر بیرونی معماری، زوایای چشمگیر و چشم‌نوازی را در اختیار بیننده قرار می‌دهد. از جمله این عناصر و فضاهای دارای نقش در معماری شهری می‌توان به مواردی از این قبیل اشاره نمود:

ایوان‌ها، بالکن‌ها، ستون‌دها، ورودی‌ها، سقاخانه‌ها.





شکل ۲۱- هسته تاریخی مهرپادین در شهر مهریز، بافت‌ها، بناهای تاریخی و فضاهای شهری متعلق به آنها در چندین دهه متوالی مورد تهدید و در عین حال، بی‌مهری قرار داشته‌اند و این روند تا حدود زیادی در حال حاضر نیز تداوم خود را حفظ نموده است.

نگاه به بافت تاریخی و اجزای مرتبط با آن به عنوان موجودیتی زائد، مشکل‌زا و فاقد ارزش و نیز عدم درک عمومی درست از ارزش و اهمیت آن که با تغییر در ذائقه عمومی و نوعی روحیه خودباختگی نیز همراه بوده است. در این زمینه، معرفی بافت کهن به عنوان پدیده‌ای فرسوده و رو به ویرانی نیز بی‌تأثیر نبوده است. امروزه حتی در محاورات تخصصی نیز عباراتی از قبیل بافت قدیم^۱، بافت سنتی^۲، بافت ارزشمند^۳، بافت تاریخی^۴ و بافت فرسوده^۵، فراوان و به سادگی به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند و این امر غالباً باعث نوعی تسری و تعمیم احکام و رویه‌های بافت فرسوده به بافت‌های تاریخی گردیده و موجودیت آنها را به مخاطره انداخته است.

غلبه نگاه سوداگرانه در برخورد با بافت‌های تاریخی و استقرار سیستم بنگاه‌محور و ریشه دوانیدن آن. گرایش به سمت مدرنیزاسیون و تسلیم محض در برابر جبر مدرنیته و به تبع آن ضرورت هماهنگ‌سازی

مأذنه‌ها، مناره‌ها، گلدسته‌ها و برخی برج‌های ساعت

بدون شک باید اذعان نمود که عناصر دارای نقش آرایه‌ای - مستقیم یا غیر مستقیم - در معماری شهری بافت‌های تاریخی، محدود به موارد فوق نمی‌گردند. شاید در برخی موارد حتی تشخیص اینکه یک جزء، دارای نقش تزئینی و یا غیر تزئینی است، بسیار مشکل باشد. این امر از آنجا ناشی می‌گردد که اساساً در معماری سنتی، تقریباً بطور غالب، چیزی که دارای نقش صرفاً تزئینی باشد وجود ندارد. بلکه در این منظومه معماری و شهرسازی، هر نیاز و عملکردی به زیباترین شکل ممکن پاسخ داده می‌شود و این بزرگترین درسی است که باید از معماری فضاهای کهن شهری فرا گرفت: «پاسخ به نیاز و کارکرد در عین زیبایی و کیفیت‌آفرینی».

۲-۷- تهدیدهای فرا روی آرایه‌های معماری شهری

اینکه بافت‌ها و فضاهای تاریخی شهرهای ما در معرض تهدیدهای فراوانی قرار دارند و در طی چند دهه گذشته دچار دگرگونی و استحاله عمیقی قرار گرفته و بخش‌های قابل توجهی از آنها، از میان رفته‌اند، مطلب تازه‌ای نیست. اگر در دوره معاصر، عوامل تهدید کننده بافت‌ها و فضاهای تاریخی شهرها را جستجو نمائیم همواره با عواملی نظیر آنچه در ادامه خواهد آمد، مواجه خواهیم بود؛ و شگفت آنکه این عوامل در دوره زمانی نسبتاً طولانی، همچنان در حال از میان بردن بافت‌های تاریخی و آثار موجود در آنها بوده و بی هیچ مانع جدی، چهره شهرهای تاریخی را دگرگون می‌کنند!

1. Old Texture
2. Traditional Texture
3. Valuable Texture
4. Historical Texture
5. Old Texture (Common Meaning)

متقابلاً تبلیغات منفی و مخرب درباره بناها و بافتهای تاریخی و ارائه چهره‌ای نازیبا و رقت‌انگیز از آن، بویژه در رسانه‌های تصویری.

تقابل بافتهای جدید و قدیم شهری و تمرکز امکانات رفاهی بهداشتی و درمانی، تأسیسات زیربنای شهری و جاذبیت‌های شهرنشینی در بافتهای جدید و عدم توجه لازم به ضرورت استقرار، رشد و بهبود این امکانات در بافتهای تاریخی و به تبع آن، کاهش اقبال عمومی به سکونت در این بافتها.

تقابل فرهنگی و اجتماعی، باعث ترویج توأم شدن مفهوم بافت قدیم و زندگی در آن با ذهنیت‌هایی همچون فقر، فرهنگ پائین، دوری از مدنیت، پائین بودن مرتبت اجتماعی و.. گردیده است.

فقدان رویه مشخص درباره ساخت و سازهای جدید در بافتهای تاریخی که عمدتاً به نوعی تشتت در آنها و تسریع در روند نابودی اجزای معماری شهری بافتهای تاریخی منجر می‌گردد.



شکل ۲۳- گسترش ساخت و سازهای جدید و فاقد هماهنگی در کنار معماری منحصر بفرد صخره‌ای (دست‌کند) روستای تاریخی کندوان (آذربایجان شرقی)، روند مداخلات بی‌رویه و بدون برنامه در موارث فرهنگی و تاریخی، علاوه بر دست‌اندازی به میراث شهری، بافت‌های بکر و منحصر بفرد روستایی و بومی کشور را نیز بی‌نصیب نگذاشته و با سرعت حیرت‌آوری، در حال امحای این اندوخته‌های بی‌بازگشت قرار گرفته است.

بافت با مفروضات نگاه مدرن و ابزارها و روش‌های آن و تمرکز تلاشها بر «نوسازی» و «جدیدسازی» بافت و فضاهای شهری.

سیطره اتومبیل به عنوان یکی از نخستین و مؤثرترین ابزارهای وارد شده از دنیای صنعتی غرب در بافتهای تاریخی و اصالت یافتن آن، که به تبع آن تعریف و مفهوم معبر و فضاهای شهری، کاملاً دگرگون شده و مفاهیم جدیدی یافته‌اند. این نگاه به تدریج در حال هدم و بلعیدن فضاهای اصیل شهرهای تاریخی ماست. تعریض معابر در مقیاس وسیع، بخش عمده‌ای از آرایه‌ها و الگوهای اصیل معماری فضاهای شهری را از میان برده و اصالت حضور و ادراک سواره، موضوعیت مقیاس پیاده و درک آرایه‌های متعلق به جداره‌ها را از میان برده است.



شکل ۲۲- مرکز محله مهرپادین به عنوان هسته مرکزی و تاریخی شهر مهریز (دارای سابقه تاریخی منسوب به مهرنگار دختر یزدگرد سوم ساسانی)، ورود و حضور اتومبیل در بافتهای تاریخی به عنوان یک فرض قطعی و حتمی، با قبول تمامی اقتضانات آن، به عنوان یگانه عامل تعیین کننده سمت و سوی تغییرات و مداخلات در این بافتها پذیرفته شده و معمولاً در قدم اول، نقطه‌ای مناسبتر از قلب مجموعه تاریخی شهرها را برای شروع نمی‌یابد. این روند در نقطه غایی خود، تصویری کامل از مثله شدن بافت را ارائه می‌نماید.

عدم معرفی ارزشهای فرهنگی، تاریخی و تمدنی آثار گذشته و مشخصاً معماری غنی فضاهای شهری واقع در بافتهای تاریخی و مجموعه‌های کهن شهری و

در اثر این روند، شهرهای تاریخی در سطوح و مقیاسهای زیر در معرض تهدیدهای جدی قرار گرفته‌اند:

نظام بافت و ساختارهای کلی و اساسی شهر

فضاهای شهری و ارسنهای اصلی و مهم

موتیفها، آرایه‌ها و نقشمایه‌های تزئینی معماری و

المانها و عناصر شهری

بخشی از موتیفهای معماری شهری در اثر مداخلات مربوط به سطوح کلان از بین رفته و یا در حال محو شدن هستند اما پاره‌ای از آنها نه به دلیل تغییرات وسیع بافت و فضاهای شهری، بلکه به دلیل تخریبها و یا تغییرات موضعی در ورطه نابودی قرار گرفته‌اند. نوسازی بدنه‌ها، بسیاری از تعمیرات و حتی پاره‌ای مرمتها، آسیبهای ناشی از عوامل مختلف طبیعی و انسانی، تعریض معابر، ساخت و سازهای جدید، ایجاد، تغییر و یا توسعه شبکه‌های تأسیسات زیربنایی و بسیاری عوامل دیگر در این زمینه، نقش چشمگیری داشته‌اند.



شکل ۲۴- بدنه‌های متعلق به دوره پهلوی؛ خیابان تربیت تبریز، آثار معماری شهری و تزئینات جداره‌های متعلق به آن در اثر کم‌توجهی و سهل‌انگاری، بتدریج در معرض فرسودگی و زوال قرار گرفته و دستخوش تغییرات نامناسب، تشتت و خدشه در صورت اصیل خود می‌گردند. تغییر مصالح، فرسودگی و ریختگی، تغییر در نوع و الگوی بازشوها و الحاقات نامتناسب از جمله این تغییرات خواهد بود.

متأسفانه در اثر یک غفلت یا تغافل عمومی از دارائیهای فرهنگی و تاریخی و خصوصاً ثروت‌های شهرسازی و معماری شهری، آنچه امروز در برابر دیدگان ماست، بافت‌ها و مجموعه‌های متشتت و از هم گسیخته‌ای است که با سرعت و شدت قابل توجهی در معرض زوال و نابودی قرار دارد. فقدان یک رویه همسو و مشترک در برخورد با این بافتها و نیز ارائه پاسخهای شتاب‌زده به نیازها و اقتضائات زندگی امروز، این روند را تسریع نموده و امید به اعاده سرمایه‌های از دست رفته یا رو به زوال را به تدریج به یأس مبدل می‌نماید. در این میان علاوه بر کلیت «شهر» به عنوان یک میراث بزرگ فرهنگی و تمدنی و بخشهای درشت آن (بافت‌ها، محلات، ارسنها و مراکز محلات)، اجزای کالبدی و فضایی شهر نیز دستخوش مداخلات و در بسیاری موارد، هدم و امحاء قرار گرفته و به تبع آن، معماری شهری و از جمله، آرایه‌های وابسته به آن نیز وضعیت رقت‌باری یافته‌اند. موارد زیر، بخشی کوچک از واقعیتی است که در شهرهای ما در حال وقوع است:

جمع‌آوری کفسازی‌ها و جایگزین نمودن آنها با آسفالت به عنوان یگانه کفیوش ممکن و متصور و به طور کلی، خدشه در ساختار اصیل هندسه و عناصر محوطه معابر و فضاهای شهری؛

مرمت و تعمیرات غیر اصولی، تخریب، تغییر، نوسازی و بازسازی ناصحیح بدنه‌ها و جداره‌ها، خصوصاً با استفاده از الگوها و مصالح نامتناسب و ناهماهنگ؛

بی‌مهری به معماری ورودیها (به عنوان یکی از نقاط عطف معماری شهری در عین حفظ درونگرایی دانه‌ها) و تخریب و استحاله بسیاری از آنها؛

۳- نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه گذشت، می‌توان به موارد زیر به عنوان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری دست یافت:

شهرهای گذشته به دلیل وحدت در جهان‌بینی و اشتراک در عوالم ذهنی معماران به یکپارچگی و انسجام - به ویژه در معماری شهری - رسیده بودند.

آرایه‌های معماری شهری، در عین کیفیت‌بخشی به فضاهای شهری، دربرگیرنده بخشی از فرهنگ، هویت و باورهای مردمان در هر دوره بوده‌اند و تجسم عینی از مفهوم مترقی «پاسخ به نیاز و کارکرد در عین زیبایی و کیفیت‌آفرینی» هستند و بدین لحاظ واجد اهمیت و ارزش می‌باشند.

در دهه‌های اخیر به دلایل مختلف، همزمان با بافت‌های کهن، موتیف‌های آرایه‌ای معماری شهری نیز در معرض تهدید قرار گرفته‌اند.

با توجه به منحصر بفرد بودن و تجدیدنابذیر بودن آرایه‌های کهن معماری شهری و مفاهیم و رای آنها، نگاهداشت آنها به عنوان موارث فرهنگی، ضرورت دارد.

یکی از راه‌های فائق آمدن بر مسأله بی‌هویتی، نازل بودن کیفیت‌های فضاهای شهری و فقدان مقیاس ادراک پیاده، احیا و بازآفرینی موتیف‌ها و نقشمایه‌های آرایه‌ای معماری شهری است که در این راه، امکان بهره‌گیری و اقتباس‌های ظریف و نغز از الگوهای مندرج در شهرهای تاریخی وجود دارد.

جایگزینی روزنه‌ها و بازشوهای اصیل با نمونه‌های فلزی جدید با هدف ایجاد امنیت و یا حذف عناصر فرسوده قدیمی بدون توجه با سابقه هویتی و تاریخی آنها؛ تخریب و یا در محاق قرار گرفتن عناصر و المانهای معماری و الگوهای ویژه فضایی تأثیرگذار در کیفیات معماری شهری؛



شکل ۲۵- ساباط در کوچه سنگ‌تراشها (اصفهان)، عناصر تاریخی معماری شهری توسط مستحذات و تغییرات جدید، شدیداً در معرض تهدید قرار دارند.



شکل ۲۶- دورنمای بادگیر (خیابان قیام یزد)، عناصر تاریخی معماری شهری توسط مستحذات و تغییرات جدید، شدیداً در معرض تهدید قرار دارند.

توجه ویژه به حفاظت آثار معماری شهری به عنوان یکی از مهمترین عوامل کیفیت دهنده و هویت‌بخش فضاهای اصیل شهری در جهت حفظ هویت بافت‌های تاریخی؛

اقدام به ثبت ملی آثار معماری شهری و حتی برخی بخش‌های منحصر به فرد جزئیات مربوط به تزئینات و نقشمایه‌های مربوط به آن؛

توجه به نقشمایه‌های اصیل تزئینات معماری شهری در پروسهٔ مرمت بافت‌های تاریخی و فضاهای شهری آنها و سعی در اقتباس الگوهای اصیل از آنها و احتراز از استفاده از الگوهای نامرتب و نامأنوس با موتیف‌های اصیل موجود در بستر فضای شهری؛

به عنوان یک پیشنهاد در حاشیهٔ حفاظت و مرمت آرایه‌های موجود در بافت‌ها و فضاهای تاریخی شهرها، توصیه به استفاده و تعمیم این الگوها به عنوان سرمشق طراحی شهری در بافت‌های جدید بدون قصد تاریخی‌سازی ولی در عین حال، هویت‌بخشی و کیفیت‌زایی در بافتها و فضاهای جدید شهری حتی با به کارگیری مواد و مصالح جدید.

موضوع نقشمایه‌ها و آرایه‌های معماری شهری، مقوله‌ای میان‌رشته‌ای^۵ و مشترک میان رشته‌های معماری، طراحی شهری و مرمت شهری است. در راستای تحقق آنچه در این مقاله ضرورت و اهمیت آن طرح گردیده، لازم است این موضوع جای خود را در عرصهٔ «آموزش» در رشته‌های یاد شده به طور



شکل ۲۷- دورنمای سردر ورودی و گنبدخانهٔ مسجد جامع یزد، اجزای اصیل معماری شهری بافت‌های تاریخی، الهام‌بخش در ساماندهی این بافتها و نیز تعریف و شکل‌دهی به بافتها و فضاهای جدید شهری

۴- ارائهٔ پیشنهادها

با استناد به شواهد و نمونه‌ها، در حال حاضر ضروری‌ترین اقدام، «حفاظت» از آثار موجود و برجای مانده از موتیف‌های آرایه‌ای و اجزای معماری شهری است. این امر می‌تواند در لایه‌های متنوعی اعم از حمایت^۱، حفظ و نگهداری^۲، استحکام‌بخشی^۳، مرمت^۴ و ... صورت گیرد. حتی می‌توان در بسیاری از موارد، ضرورت جستجوی الگوهای اصیل گذشته که امروزه ممکنست دچار تخریب، استحاله و یا تحریف قرار گرفته باشند را یک فرض محتوم و ضروری دانست. بنابراین، در مواجهه با مقولهٔ تزئینات معماری شهری و نقشمایه‌های وابسته به آنها می‌توان مراتب زیر را توصیه نمود:

اهتمام به مستند سازی جزئیات معماری شهری به عنوان اطلاعاتی مهم و در عین حال کاربردی و قابل استفاده (هم در حوزهٔ مرمت و هم در طراحی شهری)؛

1. Protection
2. Preservation
3. Consolidation
4. Restoration

5. Interdisciplinary

توماس، درک (۱۳۸۹)، «معماری و محیط شهری»، ترجمه: پاشایی کمالی، فرشته و هنرجو، میترا، تهران، نشر خاک

فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۵)، «شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب»، تهران، نشر فضا، دوم
فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۶)، «ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری»، تهران، نشر فضا، دوم
کریر، راب (۱۳۸۶)، «فضای شهری»، ترجمه: هاشمی‌نژاد، خسرو، تهران، نشر خاک، دوم

مایس، پی‌یر فن (۱۳۸۴)، «عناصر معماری، از صورت تا مکان»، ترجمه: فردانش، فرزین، تهران: دانشگاه شهید بهشتی

مدنی‌پور، علی (۱۳۸۴)، «طراحی فضای شهری»، ترجمه: مرتضایی، فرهاد، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، دوم

موتین، کلیف (۱۳۸۷)، «طراحی شهری، آذین و تزئین؛ معماری گلین قبایل هوسا در نیجریه»، ترجمه:

وحدت‌زاد، وحید، فصلنامه آبادی، سال هجدهم، شماره ۶۰

نجیب‌اوغلو، گل‌رو، (۱۳۷۹)، «هندسه و تزئین در معماری اسلامی»، ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: روزنه

Cullen, Gordon, 1975, The Concise Townscape, York, Van Nostrand Reinhold.
Gosling, D., 1996, Gordon Cullen: Visions of Urban Design, London, Academy Editions.
Hugh, Stubbins, 1974, Urban Architecture, Hugh Stubbins and Associates.

شایسته‌ای بگشاید. آموزش معماری، توجه را به جزئیات معماری بدنه‌های شهری و آرایه‌های متناسب آن معطوف نماید. آموزش طراحان شهری، نگاه دیگر باره و متفاوتی به نقش و جایگاه این اجزا در طرح فضاهای شهری و بدنه‌های آنها داشته باشد و طراحان شهری را در طراحی چنین جزئیاتی توانمند نماید. آموزش مرمت و به ویژه مرمت شهری، لازم است التفات ویژه‌ای نسبت به اهمیت عناصر و نقشمایه‌های آرایه‌ای و تزئینات شهری در بافت‌ها و جداره‌های تاریخی داشته باشد و نگاهدشت آنچه بر جای مانده و هنرهای مربوط به آنها را جزء سرفصل‌های اصلی خود داشته باشد. در همه این موارد، آرایه‌ها و تزئینات باید هم در ساحت مفاهیم و مبانی نظری و هم در ساحت فنی و طراحی مورد بازشناسی، نگاهدشت و بازآفرینی قرار گیرند.

منابع

آرنه‌ایم، رودولف، (۱۳۸۲)، «پویه‌شناسی صورت معماری»، ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی، تهران:

سمت

اسفنجاری کناری، عیسی (۱۳۸۵)، «مبید شهری که هست»، پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری شهر

تاریخی مبید

پوپ، آرتور اپهام، (۱۳۸۲)، «معماری ایران»، مترجم:

صدری افشار، غلامحسین، تهران: اختران

تولایی، نوین (۱۳۸۶)، «شکل شهر منسجم»، تهران،

امیرکبیر

Nasar, J., 1994, Urban Design Aesthetics – The Evaluative Qualities of Building Exteriors, Environment & Behavior, 26(3), pp. 377-401

Loos, Adolf. 1998, Ornament And Crime: Selected Essays Riverside, California: Ariadne Press

Lynch, Kevin, 1966, The Image of the City, Cambridge, Mass.: MIT Press

Moughtin, Cliff & Oc, Taner & Tiesdell, S., 1999, Urban Design: Ornament & Decoration, Oxford: Architectural Press.

